

۱۶ اکتوبر ۲۰۱۲

سال هشتم

شماره ۱۲۸.

کابل ناتهر



همایون باختریانی

غلام محمد «مصور» میمنه گی پیشاهنگ هنر نقاشی معاصر

(۱۸۷۳ م -- ۱۹۳۵ م)

آغا جی امیر قهار (عبدالرحمن) پسرک ابجدخوانی را که ملبس به لباس مردم سمت شمال کشورست با درخواست دادخواهی او به نزد امیر میبرد، در عریضه بر علاوه ی درخواست تظلم، تصویر پرنده یی که بر برگ تاک انگور سیاه نشسته، توجه امیر را به خود جلب میکند، عبدالقدوس آغا جی (بعدها اعتمادالدوله) به امیر میگوید که این رسم کار همین پسرکست. چشمان امیر با شنیدن این حرف از حدقه برآمده، پسر را احضار مینماید و با نا باوری ازو میپرسد که این رسم را تو کشیده یی؟ پسر میگوید بلی امیر صاحب! ولی او دفعه دوم و سوم نیز سوالش را تکرار می کند؛ اما عین جواب را می شنود، باز هم امیرشکاک باور ندارد. پس دستور میدهد که قلم و کاغذی به پسر بدهند تا جلو چشمان همه بار دیگر چنین پرنده یی را به ترسیم گیرد. بعد از چند لحظه با تعجب در می یابد که این شاهکار توسط انگشتان ظریف همین بچه ی خرد سال آفریده شده است. پسرک غلام محمد نام داشت که امیر «میمنه گی» اش خواند و دستور داد تا تحت تربیه گرفته شود. بلی! گنجشکک زیبایی که از موطن اصلیش میمنه، به کابل تبعید شده بود؛ میخواست به سرزمینی که روزگاران زیبا و رنگین آغاز عمرش را آنجا سپری نموده بود، باز گردد؛ اما بر عکس تمنای دل کودک، او را در قفس طلائی «کوتی باغچه»ی ارگ تحت تربیه گرفتند و محالی برای بازی و تفریح که تقاضای طبیعت و سن و سالش بود ندادند. او این داغ را برای همیشه در دل داشت، داغ دوری از زادگاه و داغ فقدان پدر مهربان، همین اندوه فراق بود که او را در بحر بی کران تخیل مستغرق ساخت.

هنرمند چند بعدی — غلام محمد میمنه گی — نه تنها قافله سالار هنر نقاشی دوره ی جدید افغانستانست، بلکه فرد مبارز و آگاه از مسائل سیاسی وطن و عالم با عمل، خدمتگار فعال مردمش بود. نقاشان معروف افغان که امروز مایه یی افتخار ملت ما هستند به نحوی از انحا گلی از گلستان شاداب غلام محمد مصور چیده اند. هنروران معروفی چون استاد عبدالغفور برشنا، استاد غوث الدین، استاد خیرمحمد عطایی،

استاد خیرمحمد یاری، استاد قربانعلی عزیزی، استاد غلام علی امید و بسا هنرمندان دیگر پرورده‌ی دست این شخصیت بزرگ تاریخ کشور ما می‌باشد.

شیوه‌ی مدرن نقاشی که مصور آن را در کشور ما ترویج داد؛ در طرزالعمل، منبع و سرچشمه با نقاشی شیوه‌ی سنتی سرزمین ما متفاوت بوده، برخی از وجوه این دگرگونی را چنین برمی‌توان شمرد: نقاشی در جهان ما دو کانون عمده داشته است: چین و روم که عشق به دیانت در هردو حوزه مشوق و محرک سیر انکشافی هنر نقاشی بوده است. در یکی از حکایات خداوندگار بلخ حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی (مثنوی معنوی) نیز شرح مسابقه و مقابله نقاشان چینی و رومی را به شکل حیرت انگیز آن نقل نموده است که آنهم صبغه‌ی عرفانی دارد؛ اما شیوه‌ی نقاشی قدیم ما به سبب جبر همسایه‌گی با حوزه‌ی چین تأثراتی از شیوه‌های نقاشی این حوزه داشته است؛ حتی در زمان دولت یونانو باختری اثرات آن به چشم می‌خورد؛ زیرا منبع عمده‌ی هنر عهد کوشانیان که خود رابطه‌ی تنگاتنگی با چین و کاشغرستان داشتند، در هنر همین حوزه ریشه دارد و از ترکیب چنین هنری با هنر یونانی، مکتب تازه‌ی آفریده شد که به نام هنر یونان و باختری یا گریکوبودیک شهرت یافت. با درد و دریغ باید گفت که اکثر آثار نقاشی این دوره پس از استیلای تازیان بر خراسانزمین، نابود گردیدند. اکنون کشف معدودی از نقاشی‌های این دوران از حوزه‌های گندهارا؛ بامیان و غیره جاها بازگوینده این حقیقتست؛ ولی شیوه نقاشی رومی که در یونان باستان هسته گذاشته شده، در روم رشد نمود؛ و بالاخره در فرانسه و انگلستان و جرمنی و مانند اینها به ثمر رسید؛ زمینه‌ی برای نقاشی مدرن آفرید که در عهد رنسانس در اروپا به اوج رسید. در اوایل قرن پانزدهم عیسوی ابداع پسمنظر یا پرسپکتیف به شکل علمی آن توسط مهندس و انجنیر شهروند فلورانس بنام فلیپو برونلشی ابداع گردید.

هنر نقاشی عهد تیموریان هرات که تأثراتی از شیوه‌ی نقاشی چین دارد؛ چنانکه منابع تاریخی حکایت از آن دارد که در دوره‌ی سلطنت شاهرخ میرزا در سال ۱۴۱۹م نماینده‌گانی از طرف او به دربار امپراتوری مینگ در پیکنگ فرستاده شدند. در ترکیب این هیأت خواجه غیاث الدین نقاش هراتی نماینده‌ی بایسنقر میرزا فرزند شاهرخ نیز شامل بود. غیاث الدین نقاش مدت پنج ماه را در دربار امپراتوری چین اقامت داشت و طی این مدت خود را با رموز و ریزه‌کاری‌های شیوه‌ی نقاشی چین آشنا ساخت و پس از بازگشت آن را به نقاشان هرات آموخت؛ اما پروفیسر غلام محمد مصور که تحصیل یافته غرب بود، و طرز نقاشی اش به شیوه غرب و متأثر از نقاشی روم بود این شیوه را در کشور ترویج داد.

در نقاشی های عهد تیموریان تا اواخر بابریان هند همه چهره ها را به صورت مغولی می بینیم و این همان سبک مانی پیامبر (۲۱۷ - ۲۷۶م) است که در کتاب صحف انگلیون (ارژنگ) خود که در چین نقاشی کرده است؛ همه چهره ها را شبیه چینی ها ترسیم نموده است. فردوسی از ارتباط مانی با چین گفته است:

که چون او مصور نبیند زمین

بیامد یکی مرد گویا ز چین

یکی پر منش مرد، «مانی» بنام

از آن چرب دستی رسیده به کام

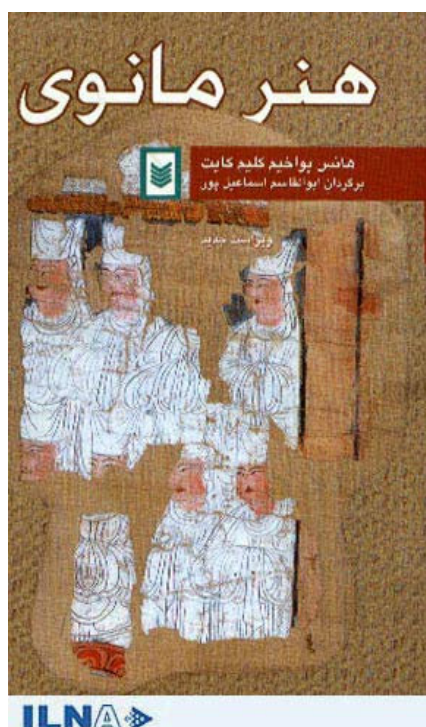
ز دین آوران جهان بر ترم

به صورتگری گفت پیغمبرم

«فردوسی»

در تابلو های نقاشی شده ما به شیوه سنتی، پسمنظر (پرسپکتیف) یا عمق تابلو به شکل علمی و تاکنیکی آن ترسیم نمیشد، اما مصور آن را در نقاشی معاصر به شیوه علمی و تاکنیکی رایج ساخت. از سویی دیگر در گذشته برای بدست آوردن رنگ ها از ترکیبات طبیعی زیاد استفاده میشد؛ مانند: لاجورد، نیل، شنگرف، قرمز (که نوعی حشره مانند فالبینک است) و مانند اینها؛ اما در نقاشی جدید ترکیبات کیمیاوی به کار گرفته می شوند که در تیوب هایی به صورت آماده عرضه می گردد و این امر به نقاش امکان می دهد که در بیرون از کارگاه یا استدیو نیز از روی مدل دلخواه خویش نقاشی نماید؛ حال آنکه در گذشته رنگ ها را در کارگاه ترکیب می نمودند؛ اول خاکه ی نقاشی را ترسیم می نمودند و سپس رنگ آمیزیش می کردند؛ از آنجایی که مدل در کارگاه آورده نمی شد، ترکیب رنگ بست و ترسیم چهره اغلب خطا در میآمد. درین زمینه نکات جالب دیگری نیز وجود دارد که پرداختن به آنها ما را از بحث اصلی به دور می سازد.

۱. اثر مانوی که به شکل کتاب
برای تفهیم عوام از دین مانوی نقاشی شده
بود.



۲. نقاشی میناتوری بالا مربوط قرن پانزدهم میلادی اثر استاد محمدی هراتی است. استاد محمدی هروی شاگرد استاد بهزاد و پسر سلطان محمد هروی بود سبک استاد محمدی با سبک استادش فرق میکند، تصاویر و مجالس او شیرین و دل انگیز است. وی شاگردان و مقلدان زیادی داشته است.

غلام محمد میمنه گی که فرزند عبدالباقی سرخابی، مینگ باشی (فرمانده قوای هزارنفری = دگروال) اردوی شاهی در ولایت فاریاب است. در سال ۱۲۵۲ش/۱۸۷۳م در شهر میمنه هنگامی چشم به جهان گشود که افغانستان مرکز بحران و میدان تشنج سیاست های استعمارگران اروپایی گردیده بود؛ زیرا دولت تزاری روس از شمال و امپراتوری انگلیس هم از جنوب مداخلات شانرا در امور کشور ما آشکارا ادامه می دادند و هرکدام به نحوی از انحا در بی ثباتی سرزمین ما تلاش می ورزیدند، تا اینکه انگلیس موفق شد تا معاهده یی ننگین گندمگ را بر منصفی اجرا بگذارد که این خود باعث آزردگی روح وطندوستان گردیده؛ زمینه یی شد برای برافروختن جنگ دوم افغان و انگلیس، که در نتیجه یی ان قوای بریتانیا با شکست قاطع روبرو گردیده، دریافتند که مداخله یی مستقیم درین کشور کاریست دشوار. لاجرم رو به تاکتیک جدید آورده، امیری را از خود مردم این سرزمین به امارت نصب کردند که به عنوان آلتی، کام خویش را توسط او برانند؛ پس امیر عبدالرحمن را در رأس قدرت گماشتند. اگر چه وطنپرستان ازین ترفند انگلیس ها واقف شدند و دست به اسلحه بردند؛ اما به شکل فجیع و ظالمانه یی از طرف این دستنشانده یی اغیار سرکوب گردیدند. مال مردم توسط شش کلاهان و جان مردم توسط نامگیرک ها به تاراج رفت، ملت به سان زندانیان محکوم در خوف و وحشت کامل شب و روز میگذراند؛ اما عده یی از وطنپرستان مرگ را برین گونه زندگانی ترجیع دادند. یکتن ازین فدائیان دلاورخان والی میمنه بود که با دستیاری عبدالباقی مینگ باشی (پدر غلام محمد خان) دست به قیام مسلحانه زد، و همزمان در هرات داوود شاه خان نایب سالار بر ضد مظالم امیر برخواست و از فرزند واقعی ملت سردار غازی ایوبخان (شاهد کفن پوش عرصه یی میوند) دعوت به عمل

آوردند تا به افغانستان بر گردد. این قیام به سختی از طرف امیر که به پشتیبانی و اسلحه‌ی انگلیسی مجهز بود سر کوب گردید که بعد از سرکوبی قیام، به دلاور خان و عبدالباقی خان مینگ باشی از طرف امیر امان داده شد و به کابل احضار گردیدند؛ اما خلاف رسم جوانمردان هردو سر بریده شدند، و داوود شاه خان مشهور نیز از طرف عمال امیر گرفتار و به امر امیر سنگسار گردید. فامیل عبدالباقی خان مینگ باشی در کابل در سرای نورمحمد خان واقع گذر قاضی فیض الله در تبعید به سر میبردند.

امیر که ضیاً الملت و الدین را پیوند نامش کرده بودند، دشمن درجه اول ملت و فرهنگ کشور، غرب زده‌ی مطلق و یک ماکیاولی تمام عیار بود. او میخواست قصرهای را که به هزینه‌ی انگلیس‌ها برای خود تعمیر نموده بود مانند اروپا مزین به نقاشی‌های مدرن زمان باشد و به تمثال‌های از جد امجد و قبله گاهش آراسته گردد، ازینرو غلام محمد کوچک را احضار و اخطار مینماید.



فرمان اخطاریه به قلم خود امیر عبدالرحمن به غلام محمد کوچک قصداً به زبان مردم سمت شمال کشور انشا شده، گمان برده نشود که امیر در نوشتن اشتباه نموده است.

غلام محمد تحت راهنمایی میر حسام الدین خان (نقاش دربار) قرار گرفت و مدتی به تمرین مشغول شد، از نگاه شیوه نیز تابع استاد خود بود که بعداً شیوه‌ی خود را اختیار نمود؛ همچنان غلام محمد خان متأثر از شیوه‌ی کار نقاشان خارجی چون جان گری نقاش انگلیسی (طبيب فامیلی امیر)، ماستر دین و ماستر عبدالعزیز (نقاشان هندی) نیز بود. غلام محمد خان نزد جان گری تا درجه‌ی رنگ آبی و اندکی روغنی تحصیل نمود. استاد بر علاوه رسامی و نقاشی، تذهیب کاری، نقش بستن قلمدانی و دیزاین دیواری را که اسلوب کار آنزمان بود آموخت. تصاویر قلمی امیر عبدالرحمن خان و امیر حبیب الله خان را که به طرز میناتور برنگ روغنی در داخل گیلان کار شده است یک ابتکار استاد بود.

بعد از امیر عبدالرحمن خان امیر حبیب الله خان بر سریر قدرت مینشیند، در اواخر سلطنت این پادشاه نسل جدیدی از آزادی خواهان بوجود آمدند که در تاریخ کشور بنام مشروطه خواهان اول شهرت دارند. غلام محمد بحیث یک هنرمند آگاه و مسئول با این تلاشها همگام شد. مکتب حبیبیه در سال ۱۹۰۳ع تأسیس گردید تا سال ۱۹۰۹ع مرکز فعالیت سیاسی قرار گرفت. یک‌عده معلمین و کارمندان این مکتب با عده‌ی از روشنفکران خارج مدرسه و عده‌ی روشنفکران دربار در تماس آمده و به اتفاق هم یک حزب سری سیاسی بنام «جمعیت سری ملی» را تأسیس نمودند، که مرام این حزب تبدیل حکومت مطلقه به مشروطه، تحصیل استقلال و نشر تمدن و فرهنگ جدید در افغانستان بود. در سال ۱۹۰۹ع اسامی تمام اعضای حزب به امیر داده شد و ضمناً به امیر گفته شد که هدف اصلی حزب از بین بردن امیر و تأسیس دولت مشروطه است. بسا اعضای حزب اعدام گردیدند، غلام محمد خان نیز روانه‌ی زندان گردید و علت اینکه او اعدام نگردید این بود که دربار به هنرش ضرورت داشت. استاد در زندان تابلویی

آفرید که حال و احوال زندانیان را نشان میداد، این تابلو به دست امیر رسید سران دولت حضور استاد را در زندان صواب ندیده و ظاهراً بنا به شفاعت اقارب وی او را از زندان رها نموده و درخانه تحت نظارت گرفته شد. در بعضی منابع آمده است که استاد تا آخر دوره امیر حبیب الله خان که تقریباً مدت یازده سال میشود، زندانی بود.

در آنزمان جریده یی سراج الاخبار در خارج مرزهای افغانستان چون مصر، هند، قسطنطنیه، ترکمنستان و بخارا علاقمندان بیشمار داشت بخصوص در بین آزادی خواهان کشور همسایه، ازینرو مویک نقاشی استاد در خدمت آزادی خواهان قرار گرفت.

استاد چه در زمان امیر عبدالرحمن خان و چه در زمان امیر حبیب الله خان نقاش دربار بود حتی در زمانیکه در زندان بود جهت نقاشی به دربار احضار می شد.

در دوران سلطنت امیر امان الله خان استاد مورد تشویق و تقدیر شاه ترقی خواه و وطن دوست قرار گرفت و زمینه یی خدمات بیشتری برایش آماده گردید، اولاً در مکتب حربیه تدریس مینمود، بعداً در ماشین خانه دارالسلطنه کابل به حیث آمر مدرسه یی نقاشی مقرر گردید و همچنان از همکاران فعال مطبعه یی دولتی باقی ماند و در اخیرالذکر ابتکارات را انجام داد؛ چنانچه در سال ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۰ع مُرکب یا سیاهی مخصوص طبع تمام شده بود پادشاه لازم ندانست که این جنس از خارج وارد شود؛ ازینرو به استاد غلام محمد خان ارشاد فرمودند تا جنس مذکور را از پیداوار وطن بسازند؛ چون استاد در محلولات کیمیاوی دسترسی و معلومات داشت، بعد از مدتی تجربه سیاهی مخصوص طبع را ساخت که بهتر از جنس اصلی و خارجی بود، همچنان تخته سلیت چوبی را از اجزای ترکیبات کیمیاوی درست نمود، تخته یی درس خوانی و تباشیر را بهتر از جنس وارداتی آن ساخت که مورد تقدیر و تشویق اعلیحضرت امان الله خان قرار گرفت و شاه جهت قدر دانی یک قاب ساعت قاب طلای امیگا و یک قطی سگرت

طلا برایش اعانه داد. در سال ۱۹۲۲ع که تصویر امان الله شاه را کشید برنده یی جایزه یی اول چهار صد افغانی گردید.

از آنجائیکه اندیشه و تخیل نقاشان شالوده یی مادی دارد در اثر تفکر بعضاً قادر اند که عقده ها و غوامض مربوط به جهان مادی را بگشایند، معمولاً هنرمند نقاش جلو تر از زمان در جهان مادی حرکت میکند؛ جهت تثبیت این حقیقت به چند مثال اکتفا مینماییم : گالیله ریاضی دان و فزیکدان ایتالیایی (۱۶۴۲-۱۵۶۴م) نقاش چیره دست بود، او برای اولین بار نظر داد که: فرضیه یی قدیم مبنی بر مرکزیت زمین نسبت به جهان مادی صحیح نیست و آفتاب مرکز منظومه یی شمسی است). این نظر یکی از حوادث مهم تاریخ علم به شمار میرود، در آنزمان آنقدر کلیسا خشمگین شد که او را تکفیر نموده و مجبور به توبه و استغفارش کردند؛ اما سه قرن بعد از فوت گالیله پاپ پیوس هفتم در سال ۱۹۵۲م به عنوان نخستین مقام کلیسا، از وی به خاطر ابداع مفهوم جدید علم نجوم ستایش و قدر دانی کرد، او به اندازه یی در نقاشی استاد بود که استادان نقاشی «مانند سی گولی» مشکلات فنی خود را به کمک او حل میکرد. لیوناردو داوینچی ایتالیایی نابغه یی بی نظیری که دهر ماندش کمتر دیده است، اثر هنری او بنام مونالیزا یکی از گرانبها ترین آثار جهانست او این تابلو را در مدت شش سال تمام نمود او در همه چیز نابغه بود، در کمیا، فزیک، و امثالهم. بزرگترین کار او که به تنهایی برای اثبات گفته یی فوق کافی است مطالعه او در مسئله یی پرواز است؛ یعنی او اولین کسیست که نظریه یی پرواز را به شکل علمی آن داده است. لوئی پاستور (۱۸۲۲م-۱۸۹۵م) کمیا دان معروف فرانسوی نیز نقاش بود، بزرگترین تفریحش آن بود که تابلوهای رنگین از مناظر زیبای دهکده اش نقاشی کند. اسحق نیوتن که کتاب Principia و یا «اصول» او برای نخستین بار بعض اسرار بزرگ طبیعت را فاش کرد و میکانیزم جهانرا به طرز مجمل آشکار ساخت، دوست داشت روی در و دیوار با زغال نقاشی کند و یا شعر بنویسد، وی نسبتاً خوب نقاشی میکرد و گاهی شعر هم میگفت.

مانی پیامبر (۲۱۵ - مقت ۲۷۶ م.) که نقاش چربدستی بود با قدرت تخیل بی نظیر خود از ترکیب ادیان چون بودایی، عیسوی، زردشتی و فلاسفه یونانی، دینی پیش کش جهانیان نمود که از نگاه شکلیات و اجرای مراسم شبیه به دین مقدس اسلام بود در دین مانوی بر علاوه نماز های متعدد شباروزی (وضو، نیت، قنوه، رکوع و سجود) در نظر گرفته شده بود؛ همچنان پیروان مانی در سال یکماه روزه نیز به یاد بود و زندانی شدن و اعدام مانی میگرفتند. اگر برای وضو آب میسر نمیشد تیمم با خاک مانند دین مقدس اسلام جایز بود؛ ازینرو مانویان میتوانند به راحتی تغییر دین دهند و دین مقدس اسلام را پذیرا گردند؛ چنانکه یکی از یاران گزین پیامبر اسلام حضرت سلمان فارسی پیشینه‌ی مانوی داشت.

سلطان محمد نقاش هراتی (قرن هشتم ه.) مرد مبتکر و دارای قدرت تخیل عجیب بود؛ برای امیر علی شیر نوایی ساعتی ساخت که در آن ساعت صورتی تعبیه کرده بود که چوبی در دست داشت چون یک ساعت از روز میگذشت آن پیکر چوب را یک نوبت به نقاره‌یی که در پیشروی او بود مینواخت و بعد از گذشتن ساعت دوم دو دفعه و علی هذالقیاس.

در زمان سلطنت امیر امان الله خان استاد غلام محمد خان به منظور ایجاد مکتب صنایع در کابل عازم جرمنی گردید تا از مکتب صنایع آنجا دیدن کند. او در سال ۱۹۲۳ع لقب پروفیسری را از اکادمی برلین بدست آورد. در نمایشگاهی که در برلین دایر نمود مجموعاً یکصد و پنجاه تابلوی رنگ روغنی به نمایش گذاشته شده بود چنانچه گویند که وی کتاب صرف و نحو پرسپکتیف (چشم انداز و دور نما) را به صفت پایان نامه‌ی تحصیلی خود نوشت، قبلاً یاد آور شدیم که در نقاشی های قبل از استاد دور نما به شکل علمی آن وجود نداشت و عمق به چشم نمی خورد.

استاد در جرمنی بین چهار صد نفر طلبه نقاشی مقام اول را بدست آورد و استاد غلام محمد خان کار چندین ساله را در ظرف مدت هفت ماه به پایان رسانید .

استاد به سبک های مختلف نقاشی نموده است؛ اما گمان برده میشود شیوه یی اصلی او ناتورالیزم یا Naturalism بوده (پیروان این مکتب طبیعت گرایی و تنازع بقا را اصل میدانند و به قدرت و قوانین طبیعت ارزش خاص قایلند، فرق بین ناتورالیزو و ریالیزم اینست که در ریالیزم انسان قادر به ایجاد تغییر در طبیعت و در ناتورالیزم انسان جز طبیعت است.)؛ اگر چه استاد تابلو های رومانتیک Romantic (افسانوی) نیز دارد ، چنانکه دانشمند گرانقدر محمود طرزی کتاب سیاحت زیر بحر و جزیره یی پنهان اثر « ژول ورن» فرانسوی را که از ترکی به فارسی ترجمه نموده بود تمام نقاشی های کتاب را به فرمایش مترجم توسط استاد غلام محمد خان به انجام رسید که بی نهایت زیبا و مطابق به اصل متن داستان بود با استفاده از نیروی تخیل آنها را تصویر نموده بود. همچنان استاد، نقاشی های زیادی به سبک ریالیزم Realism (واقع گرایی و دوری از تخیلات و احساسات) نیز دارد که واقعیت های جوامع آنروز را بیان مینمایند؛ چنانکه از تابلوی که از وضع زندانیان زندان کوتوالی کابل ترسیم نموده. در مقاله یی که آقای محمد حلیم یارقین در بیوگرافی استاد نوشته اند موصوف را پیرو سبک کلاسیک دانسته اند. استاد معمولاً تابلو های خود را با رنگ روغنی، آبی و نوک آهنی و گاهگاهی هم با پنسل میکشید، استاد غلام محمد خان در افغانستان اولین کسی بود که کاریکاتور سیاسی ترسیم نمود و آنرا در شماره یی اول سال چهارم جریده یی سراج الاخبار به نشر سپرد.

استاد نویسنده و شاعر خوبی هم بود که مقدار کمی از اشعارش در دسترس است. درینجا چند بیت نامه یی که از آلمان برای پسر خود به کابل فرستاده بود توجه خواننده گان عزیز را جلب می نمایم :

به خدمتگاری ملت ز دام عمر بر جستم

ازان روزیکه از کابل سوی جرمن کمر بستم

به حمدالله رسیده نامه ات امروز در دستم

ز شادی نور چشم من به پیراهن نمی گنجم

که نقش زر تجلی میکند پیوسته در شستم

غنی گر نیستم اما «مصور» بودم بهتر



وقتی که استاد از سفر تحصیلی جرمنی وارد وطن شد مکتب صنایع را به عنوان بنیاد جنبش دیگری در عرصه‌ی هنر نقاشی کشور اساس گذاشت که در تدویر این



مکتب به مشکلات و موانع زیاد برخورد نمود اما به اثر تلاش فراوان بر مشکلات پیروز شد و پیوسته علیه ذهنیت های که با تعصب که افکار زهرآگین را علیه این هنر زیبا، بین مردم پخش میکرد مبارزه مینمود. مقالات زیادی در مورد هنر نقاشی بدست استاد نوشته شده است. در ابتدا بنا بر

ذهنیت منفی که در جامعه علیه این هنر وجود داشت شاگردان زیادی برای مکتب فراهم

نشد؛ اما به اثر پایمردی و تشویق استاد شاگردان زیاد برای فراگیری این هنر به مدرسه ثبت نام نمودند، این مکتب در کوتی لندنی که در پهلوی پل هارتن موقعیت داشت، دایر شده بود؛ اما تعصب جاهلانه سبب شد که این مدرسه دو بار طعمه حریق گردد و این شدیدترین ضربتی بود بر پیکر این مکتب؛ در حالیکه هنر خود مذهبی ترین و عرفانی ترین پدیده های دنیایست. مذهب و هنر ممد همدیگر اند هر دو یکجا از مادر زاده شده اند و همشیر میباشند بدون هنر، مذهب و بدون مذهب، هنر موجود ناقص خواهند بود. چرا بعد از حمله تازیان به سرزمین ما هنرها را بخصوص نقاشی و موسیقی را بدعت می انگارند؟ علتش شاید این باشد که اگر ما به پس منظر تاریخی موضوع نگاه کنیم در می یابیم که تمدن های ماحول عربستان باوصف اینکه قوس نزولی خود را میپیمودند؛ اما از نگاه انواع هنر غنی بودند؛ اگر به معماری و مهندسی مصر نگاه کنیم که سر بر آسمان میسایید و یا تمدن و صنایع بین النهرین و یا موسیقی هندوستان با هنر مجسمه سازی آن و یا هنر سرزمین فارس را و ادیان بزرگ که درین سرزمین ها پذیرفته شده بودند، در مورد نقاشی و مجسمه سازی روم و چین که قبلا اشاره نمودیم و یادر خود جزیره العرب هنر نقاشی مانویان را، که مردم صحرا نشین عرب به هیچ وجه نمیتوانستند با آنها رقابت نمایند پس یک قلم همه آن پدیده های زیبای هنری را مردود دانسته و بدعت شمردند؛ ولو که به مرور زمان از همه آنها اقتباسات به عمل آوردند و آهسته آهسته از نگاه هنر که مستلزم ارتقای یک تمدن همه گیر بود خود کفا شدند؛ البته این همه خصومت و بی مهری با هنر از طرف استیلاگران عرب تعمیل شده چون اوشان در ممالک مفتوحه در راس قدرت های کشوری و لشکری قرار داشتند، ذهنیت هنر ستیزی توسط این عمال ناخلف در جوامع مسلمان پخش شد؛ بطور مثال: اگر کسی رسم آدم را بکشد، فردا روز قیامت خداوند (ج) از وی میپرسد که رسم را که کشیده ای او را نفَس بده و الی مستوجب دوزخ خواهی بود. در

حالیکه این طرز استدلال که بدان اشاره شد نه در کلام الله و نه در احادیث شریف تذکر رفته؛ بلکه این برداشت از مناظره و مقابله مانی با موبد موبدان (قاضی القضاة) دین جاری در زمان مانی؛ یعنی دین زردشتی (که قوس نزولی خود را میپیمود) اقتباس گردیده است، موبد به مانی میگوید: اگر توانستی این نقاشی های را که کشیده ای را به حرکت بیاوری میتوانی ادعای پیامبری نیز کنی در غیر آن دروغگویی بیش نیستی، مانی ازین کار عاجز مانده و در استدلال شکست میخورد که همان باعث اعدام او میگردد. شهنامه نیز به این مناظره اشاره ای نموده است:

بدو گفت کای مرد صورت پرست	به یزدان چرا آختی چیره دست
گرین صورت کرده جنبان کنی	سزد گر ز جنبنده برهان کنی
بدانی که برهان نباشد بکار	ندارد کسی این سخن استوار

استاد غلام محمد خان منحیث علمدار جنبش نقاشی در کشور نخستین فرد زمان خود بود که به منظور مبارزه وارد میدان شد و نگذاشت تا مکتب صنایع علی الرغم تلاشهای که جریان داشت از فعالیت خویش باز ماند، در سال ۱۹۳۰ ع شعبات نجاری، معماری، تباشیر سازی، خیاطی، قالینبافی و تزیینات درمکتب صنایع به فعالیت آغاز نمود. استادان که درین مکتب تدریس مینمودند اینها بودند: استاد فرخ افندی، ماستر دین استاد مجسمه سازی و رسامی، خلیفه علی احمد نقاش، ماستر عبدالعزیز، ماستر گهی روسی استاد پرسپکتیف، و یک متخصص لیتوگرافی از جرمنی، چهار نفر معلمین قالین بافی از ایران، حاجی محمد آصف خیاط، خلیفه محمد امین تباشیر ساز، محمد کریم خان معمار، محترم محمد صادق خان نجار، استاد عبدالغفور برشنا بعدا مدیر این مکتب گردید .

شاگردان ممتاز رسامی صنف پنجم - غوث الدین خان درجه اول، خیرمحمد خان درجه دوم.

صنف چهارم - محمد هاشم خان درجه اول و محمد عمر خان درجه دوم.

صنف سوم - غلام محی الدین خان درجه اول و محمد عمر خان درجه دوم.

صنف دوم - قربان علی خان درجه اول و قمرالدین خان درجه دوم.

استاد در سال ۱۹۲۴ ع مستحق نشان درجه اول معارف و به سال ۱۹۲۸ ع موفّق به کسب مدال استور درجه یک گردید.

استاد غلام محمد خان شخص ضعیف البنیه و خورد جثه بود، روایتست از زمانی که استاد میخواست جهت تحصیل به جرمنی برود با وصف اینکه چهل و هشت سال داشت نتوانست که به سواری اسپ چند روز راه بپیماید روی این ملحوظ از طریق دیگر عازم خارج شد. استاد مانند بزرگترین هنرمندان نقاشی چون ویستون وان گوگ، مایکل انجلو و غیره دارای مزاج حساس و عصبانی بود چنانکه گویند باری با امیر امان الله خان به اندازه روی موضوع تأسیس حزب جدی برخورد نمود و نظرات خود را با عصبانیت به شاه از طریق عتاب توضیح میداد که امیر امان الله خان به یکی از دستیاران خود گفت: که «این پروفیسر دیوانه را ازینجا ببرید». همچنان یادداشت های استاد روان شاد فرخ افندی نیز موضوع حساس بودن استاد را تایید میکند؛ استاد فرخ افندی که او نیز در مکتب صنایع کابل به حیث استاد ایفای وظیفه مینمود، جریانی اتفاق می افتد که اینک یادداشت استاد فرخ افندی را عیناً درج مینماییم. «....یکروز در مکتب رسامی جنگ کردم چرا که غلام محمد خان پروفیسور از هندوستان دو نفر هندی را که نام شان ماستر دین و عبدالعزیز بود بحیث معلم رسم آورد و صنف های بلند را بدست آنها داد و صنف های پائین را بدست من داد. در اخیر سال صنف من از صنف های آنها بهتر کشید، پروفیسور بمن گفت: (شما پیشتر خوب کار نکرده بودید که صنف بلند ناکام ماند)، من گفتم:

هر صنف را از صاحبش پرسیان کن، یکدفعه گفت: (بگیرینش)، تحویلدار پهلوان بود آمد که مرا بزند، یک مشت زدم، چشمش دستی پندید، نفر دیگر هجوم کرد یک مشت زدم او سون افتاد، یکدفعه پروفیسور تلفون را گرفت به داماد خود علی محمد خان وزیر معارف تلفون کرد و گفت: (از برای خدا اینجا چه کشت و خون است شما یکدفعه تشریف بیاورید)) «قراریکه قبلاً توضیح دادیم که هنر نقاشی دارای دو بعد مادی است و ابعاد دیگرش مربوط به تخیل هنرمند میباشد، پس هنرمند در آن واحد از قوای روحی و جسمی استفاده به عمل می آورد که ادامه یی این عمل قوای هنرمند را به تحلیل میبرد ازینروست که هنرمند نقاش دچار عارضه یی پیری زود رس و عصبانیت میشود، اکثراً با روح حساس که دارند واقعیت های بیرونی را کمتر میتوانند تحمل کنند یا به تنهایی و کار پناه میبرند و یا به مواد مخدر و غیره، این موضوع مرا به یاد گفته یی یکی از استادان دانشکده یی آرت سیتیل کالج تورنتو انداخت که میگفت: (شاغلین هر پیشه یی چه داکتر و چه حقوق دان و هرکسی که باشد میتواند شب آرام بخوابد؛ الی نقاش

).

در مورد مهارت استاد در فن نقاشی داستان های آوازه زمان بود که از جمله صرف یکی آنرا درینجا نقل مینماییم و آن اینکه: روزی استاد در جرمنی ذریعه یی قطار به مقصد مسافرت میکرد، از قضا خواب بالای استاد غلبه نموده و بخواب فرو رفتند، موقعیکه از خواب بیدار شدند متوجه سرقت بکس دستی شان گردیدند موضوع را به پلیس اطلاع میدهند و پلیس آمده و میپرسد که آیا کسی نزدیک شما نشسته بود؟ استاد میگوید بلی، دو جوان در چوکی مقابل من نشسته بودند. پلیس جویای شکل و قیافه جوان های متهم به سرقت میشود، استاد چهره یی هردو را رسامی نموده به پلیس میدهد که بعداً پلیس به رویت همان رسم دزدان را پیدا و دستگیر مینماید. استاد یکی از قله های هنر نقاشی افغانستان بود که البته بعد از «مانی» و «بهزاد» از تاریخ کشور سر بر می آورد، اینکه هدف پرورش غلام محمد کوچک توسط امیر عبدالرحمن خان هر چه بوده ؛ اما رایحه یی این گل زیبا نه تنها شامه یی مردم افغانستان را معطر ساخته است

بلکه افتخار پرورش آن به این امیر ضحاک صفت نیز میرسد؛ ولو که در ساحات دیگر فرهنگی
امیر هیچ دستاوردی نداشته است.

زمانیکه استاد شصت و دو بهار زندگی را طی نموده بود مرض جانکاه گریبان گیر او میگردد که
به گمان خود استاد علت فشارخون بود؛ بهر صورت هرمرضی که بود استاد را علیل و ناتوان
ساخته و بلاخره در اواخر خزان سال ۱۹۳۵ع داعی اجل را لبیک گفته و هنر دوستان را به
سوگ و ماتم می نشانند، روح استاد غلام محمد خان مصور شاد و راهش پر رهرو باد.

محمد را غلام پاک بنیاد

مدیر مکتب صنعت که او بود

چو مانی در زمان خویش استاد

پروفسور به فن رسم و تصویر

نهال نقش کلکش میوه ایجاد

گل تصویری او از عطر مملو

دل احباب خود را ساخت ناشاد

بصبح چارشنبه پنجم قوس

روان گردید سوی راحت آباد

به عمر شصت و دو از بزم هستی

زهول روز حشر بـادا آزاد

نمود او در وطن یک عمر خدمت

کشیده نقش ماتم کلک بهزاد

بین شایق که بی (مه) سال فوتش

«شایق جمال»



منابع و سرچشمه ها:

رهرو عمرزاد، نقش از سیمای نقاش بزرگ، پشاور: کتابقروشی آرش، سال ۱۹۹۹.

غبار میر غلام محمد ، افغانستان در مسیر تاریخ، مطبعه دولتی کابل: ۱۹۶۷ م ، ص. ۷۱۸

شهرانی ، عنایت الله ، شرح و احوال و آثار پروفیسور غلام محمد میمنگی، موسسه انتشارات الازهر، پشاور: ۱۳۸۴ خورشیدی.

سایت کابل پرس ، فرهمند ، عنایت الله ، چهره ای غلام محمد میمنگی.

نقل از مجلهٔ دوماههٔ هنر حمل و ثور سال ۱۳۶۲ به مدیریت بهمنش صفحهٔ ۸۳ نوشتهٔ فانوس

فلسفهٔ شرق ، مهر داد مهرین، موسسه مطبوعاتی عطائی ، تهران: سال ۱۳۶۱ ، ص ۲۴۵ .

رحیمی نیا ، مصطفی، زندگی نامه یکصد و ده تن از شاعران ، نویسنده گان و دانشمندان، انتشارات جهان آرا، تهران : ۱۳۸۵ .

کارگر عبدالله، تیموریان، موسسه انتشارات الازهر، پشاور: سال ۱۳۸۴ خورشیدی صص ۱۰۵- ۱۰۷ .

فرهنگ فارسی معین ، جلد پنجم ، صفحهٔ ۷۸۶ ، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۸۱ .

سایت موزیم ساینس: <http://www.msichicago> Museum of science and industry , Chicago, .

.Orh

(فرهنگ معین ، جلد ۶، ص. ۱۸۸۹، چاپ سیزدهم ، موسسهٔ انتشارات امیر کبیر،

تهران: ۱۳۸۱)